Saba Scientific Journal, Volume 5, Issue 9, 2026, pp. 67-76

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

The Significance of Sheikh Hassan al-Damastani's Qasida "Ahrama al-Hujjaj" in Ashura Elegy Writing

(An Analysis of Contexts, Content, and Elements of Emotion & Cohesion)

Hossein Al-Rabiei [1*]، Fatemeh HajiRahimi [2]

1.*Master's student of Persian Language and Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)

2. Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran. f.hajirahimi@mou.ir

ARTICLE INFO

Key Words:

Hassan Damestani,

Ahrama al-Hujjaj,

Ashura elegy,

Musammat,

emotion,

coherence,

ABSTRACT

The *qasida* "Ahrama al-Hujjaj" composed by Sheikh Hasan bin Muhammad al-Damistani al-Bahrani (d. 1181 AH), a prominent Shi'a jurist, traditionist, and poet from Bahrain—is among the most renowned Arabic poems lamenting Imam Husayn (AS). Written in the *musammat* form and comprising 142 verses and 71 stanzas, it poetically chronicles the events of Ashura—spanning the Imam's departure from Medina to his martyrdom and the subsequent aftermath—and continues to be recited to this day in *Husayni* gatherings across Bahrain, Qatif, and Iraq. Employing a descriptive-analytical method and relying on library-based research, this study examines the context of the poem's composition, its significance within the tradition of elegiac poetry, its structure and content, and the elements of emotion and coherence found within it. Findings indicate that the poet's ascetic lifestyle, his experience of displacement following the Kharijite attack on Bahrain, and the circumstances of the poem's composition—penned during the ritual between Safa and Marwa—played a role in shaping the work. The poem features a tripartite, cyclical structure: it begins with the poet's personal grief, transitions to the collective narrative of the tragedy of Karbala, and concludes with lamentation and expressions of devotion to the Ahl al-Bayt. A blend of tender emotion and impassioned fervor, simplicity and fluidity of language, a consistent "-in" rhyme scheme, and the use of literary devices such as prose rhyme (in), alliteration, simile, metaphor, and metonymy contribute to the poem's coherence and enduring appeal.

***Corresponding Author:**

Email: husain66@gmail.com

*ORCID:

ORCID: 0000-0001-6829-7195

Article Address Published on the Journal Site:
https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12618.html

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF AUTHORS	NATIONALITY OF AUTHOR
5	2	(Iran, Iraq)

نشریه علمی صبا، دوره ۵، شماره ۹، سال ۱۴۰۵، صفحات ۶۷ تا ۷۶

پژوهش‌نامه صبا
Biannual Journal of Saba

جایگاه قصیده «أحرم الحجاج» شیخ حسن دمستانی در مرثیه‌سرایی عاشورایی (تحلیل زمینه‌ها، محتوا و عناصر عاطفه و انسجام)

حسین الربیعی [۱]* ، فاطمه حاجی رحیمی [۲]

۱.* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استاد گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران. *f.hajirahimi@mou.ir*

اطلاعات مقاله

کلمات کلیدی:

حسن دمستانی،

أحرم الحجاج،

مرثیه عاشورایی،

مسمّط،

عاطفه،

انسجام،

چکیده

قصیده «أحرم الحجاج» اثر شیخ حسن بن محمد دمستانی بحرانی (درگذشته ۱۱۸۱ ه.ق)، فقیه، محدث و شاعر شیعی بحرین، از مشهورترین سروده‌های عربی در رثای امام حسین است که در قالب مسمّط در ۱۴۲ بیت و ۷۱ مقطع، واقعه عاشورا را از حرکت امام از مدینه تا شهادت و پیامدهای آن به نظم کشیده است و تا امروز در مجالس حسینی بحرین، قطیف و عراق خوانده می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی زمینه‌های سرایش قصیده، جایگاه آن در سنت مرثیه‌سرایی، ساختار و محتوای آن و عناصر عاطفه و انسجام در آن پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زندگی زاهدانهٔ شاعر، تجربه آوارگی ناشی از حمله خوارج به بحرین، و روایت سرایش قصیده در هنگام سعی میان صفا و مروه، در شکل‌گیری آن نقش داشته است. این قصیده، ساختاری سه‌بخشی و دایره‌وار دارد که از اندوه شخصی شاعر آغاز می‌شود، به روایت جمعی واقعهٔ کربلا می‌رسد و با ندبه و اظهار محبت به اهل بیت پایان می‌یابد. ترکیب رقت عاطفی با خشم و خروش، سادگی و روانی زبان، قافیه واحد «ین» و آرایه‌هایی چون سجع، واج‌آرایی، تشبیه، استعاره و مجاز، از عوامل انسجام و ماندگاری این قصیده است.

* نویسنده مسئول

Email: *husain66@gmail.com*

*ORCID:

ORCID: *0000-0001-6829-7195*

نشانی مقاله در وب سایت:

https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12618.html

تعداد منابع	تعداد نویسندگان	ملیت نویسنده
۵	۲	(ایران،عراق)

مقدمه

واقعه عاشورا، در قامت یک «فاروایت» تاریخی، فراتر از ابعاد تقویمی و جغرافیایی خود، به یکی از قدرتمندترین بن‌مایه‌های الهام‌بخش در فرهنگ و ادبیات اسلامی بدل شده است. در این میان، «شعر» به عنوان دیرپاترین و انعطاف‌پذیرترین رسانه هنری، بار اصلی حفظ، روایت و تفسیر این واقعه را بر دوش کشیده است. پیوند میان این رخداد آیینی و ادبیات منظوم، صرفاً محدود به بیان سوگ و اندوه (رثاء) نیست؛ بلکه شاعران در طول قرون، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی و بلاغی، از واقعه کربلا به‌مثابهٔ بستری برای تبیین جهان‌بینی‌های اخلاقی، عرفانی، سیاسی و حماسی بهره برده‌اند.

آنچه شعر عاشورایی را به پدیده‌ای درخورِ تأمل بدل می‌سازد، تکاپوی ذهنی شاعران برای «بازآفرینی» این واقعه در هر عصر و زمانه است. شاعرانِ فارسی‌زبان و عرب‌زبان، هر یک با تکیه بر سنت‌های ادبی و پارادایم‌های فکریِ زمانه خویش، تصویری متکثر از قیام امام حسین ارائه داده‌اند؛ تصویری که گاه در قالب مرثیه‌هایی سوگ‌ناک متجلی شده و گاه در کسوتِ قصایدی حماسی و عرفانی، مفاهیمی چون «ایثار»، «آزادی‌خواهی» و «شهادت» را به حیات فرهنگی جوامع پیوند زده است.

واقعه عاشورا از آغاز، الهام‌بخش شاعران شیعه در زبان‌های عربی و فارسی بوده و مرثیه‌های فراوانی در سوگ سالار شهیدان سروده شده است. در ادبیات عربی بحرین، یکی از نام‌آورترین این مراثی، قصیده «أحرم الحجاج» شیخ حسن دمستانی بحرانی است که به نام‌های «الملحمة الحسینیة»، «ملحمة الطف» و «المربّعة الدمستانیة» نیز شناخته می‌شود. نام قصیده برگرفته از نخستین مصراع آن است و این اثر، حماسه‌ای است در سوگ امام حسین علیه السلام که از آغاز حرکت آن حضرت از مدینه تا واقعه عاشورا و پیامدهای آن را به نظم کشیده است. (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۴)

با وجود شهرت این قصیده در میان مردم و خطیبان منبر حسینی، شاعر آن در میان پژوهشگران، به‌ویژه در ایران، کمتر شناخته شده است. (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲) از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱) جایگاه دمستانی و این قصیده در سنت مرثیه‌سرایی حسینی چیست؟

۲) قصیده از نظر ساختار و محتوا چگونه سامان یافته است و عناصر عاطفه و انسجام در این قصیده چگونه نمود یافته‌اند؟

۱. پیشینهٔ پژوهش

درباره پیشینه پژوهش باید گفت که میرقادری و دهقان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به جایگاه دمستانی و درون‌مایه‌های ارزشی قصیده (رثا، مودت اهل بیت، شجاعت و سفارش به صبر) پرداخته‌اند. در زبان عربی نیز سید محمود غریفی (۱۴۳۱ق) قصیده را با عنوان «نظم مقتل الحسین» شرح و منتشر

کرده و حسن بن علی آل‌سعید (۱۴۴۴ق) متن آن را بر پایه چهار نسخه خطی تحقیق و همراه با زندگی‌نامه‌ای مفصل از شاعر چاپ کرده است. پژوهش حاضر با تکیه بر این منابع، بر زمینه‌های سرایش و عناصر عاطفه و انسجام قصیده تمرکز دارد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است.

۲.بحث و بررسی

۲-۱. نگاهی به زندگی شیخ حسن دمستانی

نام کامل او، بر پایه اجازه‌ای که به خط خویش نگاشته، «حسن بن محمد بن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف‌الله بن حسن بن صدقةالله، الحُوَیصی، الدِّمِستانی، البحرانی» است. لقب «دمستانی» منسوب به روستای دِمِستان در ساحل غربی بحرین و لقب «حویصی» منسوب به روستای عالی حُوَیص است (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق). پدرش شیخ محمد بن علی نیز عالمی فاضل و شاعری بلیغ بود که در سال ۱۱۲۱ ه.ق در سرزمین فارس درگذشت. (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق)

معاصران و متأخران، دمستانی را به دانش، زهد و بلاغت ستوده‌اند. شیخ علی بلادی در «أنوار البدرین» او را «العالم الربانی والفاضل الصمدانی... زاهداً عابداً تقیاً ورعاً شاعراً بلیغاً، إن نظم أتی بالعجب العجاب وإن نثر أتی بما یسحر عقول أولی الألباب» توصیف کرده و او را در علم و تقوا و بلاغت و اخلاص در محبت اهل بیت، در روزگار خود کم‌نظیر دانسته است (بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۱۷). دمستانی در علوم عربی، فقه، اصول دین، رجال و حدیث صاحب‌نظر بود و آثاری چون «انتخاب الجیّد من تنبیهات السیّد» در علم رجال، منظومه‌هایی در اصول دین و کتاب «أوراد الأبرار في مأتم الکرّار» از او بر جای مانده است (بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۱۷-۲۱۸). وی مدتی در بندر بوشهر اقامت داشت، به زیارت امام رضا رفت و سرانجام در سال ۱۱۸۱ ه.ق در قطیف درگذشت و در مقبره «الحبّاکة» به خاک سپرده شد. (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق؛ الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۵-۱۶)

۲-۲. قالب، موسیقی و جایگاه قصیده دمستانی در مرثیه

از نظر قالب شعری، این قصیده در قالب مسمّط سروده شده و مشتمل بر ۱۴۲ بیت و ۷۱ مقطع است (در بعضی نسخه‌ها ۱۴۰ بیت و ۷۰ مقطع)؛ هر مقطع از چهار مصراع تشکیل شده، به‌گونه‌ای که سه مصراع نخست هر مقطع قافیه‌ای مستقل دارند و مصراع چهارم بر قافیه اصلی قصیده -که در سراسر آن یکسان و مختوم به «ین» است- می‌آید؛ همین ویژگی دلیل نام‌گذاری آن به «المربّعة» است (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق). دمستانی نخستین سخنوری است که از این قالب در مرثیه‌سرایی

عاشورایی بهره برد و پس از او شاعرانی همچون شیخ حسن بلادی و شیخ سلیمان بحرانی این راه را پیمودند. (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲: ۹)

ختم هر مقطع به قافیه‌های مختوم به «ین» -مانند حسین، حرمین، منکبین، عسکرین و وجنتین- سنگینی و صلابتی خاص به قصیده بخشیده و تکرار این قافیه در پایان هر مقطع، نام «حسین» و شور حسینی را پیوسته در ذهن مخاطب زنده نگه می‌دارد.

این قصیده از چند جهت نزد شیعیان بحرین، قطیف و عراق اهمیت دارد. نخست، به گفته غریفی، مشهورترین سروده دمستانی است، تا جایی که در بحرین به‌ندرت کسی -حتی کودکان- را می‌شد یافت که آن را از بر نداشته باشد (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۴). دوم، به تصریح جواد شبر، نزد خطیبان منبر حسینی مشهور است و بسیاری از اوقات به‌عنوان شاهد در سخنرانی‌هایشان به کار می‌رود (شبر، ۱۳۸۸ق، ج۵: ۲۹۶). سوم، این قصیده در کتاب «أوراد الأبرار» -معروف به «الأسفار»- که در بحرین و سواحل خلیج رواج دارد، گنجانده شده و در مجالس حسینی خوانده می‌شود (بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۱۸).

۳-۲. زمینه‌ها و انگیزه‌های سرایش قصیده

سرایش مرثیه‌ای به این عظمت را نمی‌توان بدون توجه به محیط زندگی شاعر درک کرد. دمستانی در روستای کوچک و فقیرنشین دمستان می‌زیست؛ روستایی که به گفته بلادی، اهالی آن تنگدست بودند و بیشتر زمین‌هایشان با دلو آبیاری می‌شد (بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۱۸-۲۱۹). او با وجود دانش گسترده، بر وجوهات و کمک‌های مردمی تکیه نکرد و از راه زراعت زمین خود روزگار می‌گذراند (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۴). این زهد و ساده‌زیستی، گواهی بر پیوند میان تجربه زیسته او و بیان صادقانه‌اش است.

محیط سیاسی و اجتماعی عصر دمستانی نیز خالی از رنج نبود. بر پایه تحقیق غریفی، در بیستم صفر سال ۱۱۳۱ ه.ق خوارج به بحرین حمله کردند؛ رویدادی که به گفته بلادی، احتمالاً سبب هجرت دمستانی از بحرین به قطیف بوده است (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۵-۱۶؛ بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۲۰). چنین تجربه‌ای از آوارگی می‌تواند در پرورش همدلی عمیق شاعر با مصیبت اسارت و آوارگی خاندان امام حسین علیه السلام -که به‌تفصیل در قصیده بازتاب یافته- بی‌تأثیر نبوده باشد.

مهم‌تر از همه، روایتی است که غریفی درباره چگونگی سرایش قصیده نقل می‌کند: «قیل انه نظمها وهو في السعي ما بين الصفا والمروة» (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۴)؛ یعنی گفته شده که دمستانی آن را در حال سعی میان صفا و مروه سروده است. اگر این روایت درست باشد، نکته‌ای پرمعناست: نام و مطلع قصیده با فضای معنوی حج و مناسک احرام پیوند می‌خورد. شاعر در اوج تجربه معنوی

حج، خود را در برابر مصیبت امام حسین علیه السلام «محرمی ابدی» می‌یابد که برخلاف حاجیان -که تنها چند ماه از لذت‌ها دوری می‌گزینند- تا ابد از لذت دنیا کناره خواهد گرفت:

أَحْرَمَ الحُجَّاجُ عَن لَذّاتِهِمْ بَعْضَ الشُّهورِ / وأَنا المُحْرِمُ عَن لذّاتِهِ كُلّ الدُّهورِ (بیت ۱)

حاجیان تنها برخی ماه‌ها را از لذت‌های خود محروم می‌کنند، اما من همیشه و تا ابد از لذت‌های دنیا محرم و دورم.

این تصویر، انگیزه شاعر را نه تصمیمی ادبی و از پیش‌اندیشیده، بلکه جوششی خودجوش از دلی سرشار از عشق به اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد؛ امری که با ماهیت اصیل مرثیه همخوان است. افزون بر این، آل‌سعید احتمال داده است که دمستانی، به‌ویژه با توجه به اقامت طولانی‌اش در سرزمین فارس، در سرایش این قصیده از ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی (درگذشته ۹۹۶ ه.ق) با مطلع «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» متأثر بوده باشد. (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق: ۵۵-۵۶)

۲-۴. جایگاه دمستانی در سنت مرثیه‌سرایی

پیوند دمستانی با مرثیه‌سرایی حسینی به یک اثر محدود نمی‌شود. عصفوری در «تاریخ البحرین» او را «خطیب اهل البحرین» و «سیّد اهل الأدب» خوانده است (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق)؛ القابی که نشان می‌دهد او در جایگاه خطیب و ذاکر اهل بیت نیز شناخته می‌شد. کتاب «أوراد الأبرار في مأتم الكرّار» او، نثری آمیخته با شعر است که برای قرائت در شب‌های نوزدهم تا بیست‌ویکم ماه رمضان تدوین شده و با درگذشت او ناتمام ماند. بلادی تکمیل آن را به شیخ محمد آل عصفور نسبت می‌دهد (بلادی، ۱۳۷۷ق: ۲۱۸)، در حالی که غریفی تکمیل‌کننده آن را شیخ محمد بن احمد درازی بحرانی، برادر صاحب «الحدائق الناضرة»، می‌داند (الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۱). این هر دو روایت نشان می‌دهد که میراث مرثیه‌سرایی دمستانی چنان زنده بود که نسل‌های بعد، تکمیل و حفظ آن را بر خود لازم می‌دانستند.

این پیوند در خاندان او نیز استمرار یافت. فرزندش شیخ احمد، دیوان پدر را گردآوری کرد که با عنوان «نیل الأمانی» و مشتمل بر ۴۴ قصیده در مدح و مرثیه معصومان در نجف به چاپ رسید (شبر، ۱۳۸۸ق، ج۵: ۲۹۶؛ الغریفی، ۱۴۳۱ق: ۱۳)؛ و نوادگان او نیز با کتابت نسخه‌های خطی آثارش در حفظ این میراث کوشیدند (آل‌سعید، ۱۴۴۴ق). مهم‌ترین گواه این پیوند، حضور مستمر قصیده در فرهنگ عزاداری شیعیان بحرین، قطیف و عراق تا امروز است.

۲-۵. ساختار و محتوای قصیده

قصیده از سه بخش اصلی تشکیل شده است: مقدمه، بخش نخست (روایت واقعه کربلا) و بخش پایانی (ندبه و مراثی) (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲).

۱-۵- ۲. مقدمه (ابیات ۱ تا ۱۴)

شاعر در مقدمه، اندوه خود را بر مصیبت امام حسین علیه السلام اظهار می‌کند و محبت و ولای اهل بیت را وظیفه خویش می‌شمارد. او بر نوشنده آب زمزم، محبت خاندان پیامبر و همدردی با آنان را واجب می‌داند و روی‌گردانی از آن را بزرگ‌ترین گناه نزد پروردگار دو حرم می‌شمارد:

حُقَّ للشّاربِ مِنْ زمزَمِ حُبَّ المُصطفی / أن یری حَقَّ بَنیهِ حَرَماً مُعْتَکَفا (بیت ۳)

بر نوشنده آب زمزم، دوستی با خاندان رسول‌الله واجب است و باید حق فرزندان او را همچون حرمی محترم بداند.

آنگاه پوشیدن جامه اندوه و نوحه‌سرایی هر صبح و شام را بر خود واجب می‌شمارد. در حقیقت، مقدمه وصف‌الحال و سوگواری شخصی شاعر است که پیش از ورود به روایت اصلی، زمینه عاطفی لازم را برای خواننده فراهم می‌کند (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱):

فَمِنَ الواجِبِ عیناً لُبْسُ سِربالِ الأسی / واتِّخاذِ النَّوحِ وِردًا کُلَّ صُبْحٍ ومَسَا (بیت ۵)

پوشیدن جامه اندوه و نوحه‌سرایی هر صبح و شام، بر من واجب عینی است.

۲-۶. بخش نخست: روایت واقعه کربلا (ابیات ۱۵ تا حدود ۱۰۶)

در این بخش، که طولانی‌ترین بخش قصیده است، شاعر به ترتیب زمانی، مصیبت‌های امام حسین علیه السلام و خاندانش را روایت می‌کند. او امام را «ریحانه قلب» پیامبر می‌خواند و با اشاره به حدیث نبوی، شهادت او را در کربلا پیش‌گویی می‌کند:

ستذوقُ الموتَ ظُلماً ظَامیاً في کربلا / وستبقی في ثراها عَاثِراً مُنْجَدِلا (بیت ۱۷)

تو مرگ را ظالمانه و تشنه در کربلا خواهی چشید و در خاک آن به رو خواهی افتاد.

سپس حرکت کاروان از مدینه، رسیدن نامه‌های کوفیان و هشدار هاتف غیبی را روایت می‌کند تا به کربلا می‌رسد؛ لحظه‌ای که با بازی زبانی میان «کربلا» و «کروب و بلا» به تصویر کشیده شده است:

قیل هذي کربلا، قال: کُروبٌ وبَلا / خَیِّموا إنَّ بِهذي الأرضِ مَلقی العَسْکَرین (بیت ۳۰)

گفته شد: این سرزمین کربلاست؛ [امام] فرمود: سرزمین کروب (رنج‌ها) و بلاست؛ همین‌جا خیمه بزنید که اینجا محل رویارویی دو سپاه است.

شاعر آنگاه شهادت یاران امام را توصیف می‌کند که مرگ را چون عسل می‌چشیدند و بهشت را آشکارا می‌دیدند. از عاطفی‌ترین صحنه‌های این بخش، وصیت امام به خواهرش زینب سلام الله علیها است که او را به صبر فرامی‌خواند:

في جَلیلِ الخَطبِ یا أُخْتُ اصبري الصَّبْرَ الجَمیل / إنّ خیرَ الصّبْر ما کانَ علی الخَطْبِ الجَلیل (بیت ۴۹)

خواهرم! در امور بزرگ صبری نیکو پیشه کن که بهترین صبر، صبر بر مصیبت‌های بزرگ است.
پس از آن، صحنه شهادت طفل شیرخوار و فریاد امام در میان قوم («أأنا المذنب أم هذا الرضیع؟»)، رشادت امام در میدان که جنگ را چون عروسی می‌داند و تنها امیرالمؤمنین را همتای خود دارد، بازگشت اسب بی‌سوار به خیمه‌ها و سرانجام شهادت امام روایت می‌شود. شاعر در لحظه شهادت، با شگفتی و خشم فریاد برمی‌آورد:

فَتَكَ العُصفُورُ بالصَّقْرِ فیا لَلْعَجَبِ / ذَبَحَ الشَّمْرُ حُسَیناً غیرةَ اللهِ اغضَبي (بیت ۱۰۹)

گنجشک بر باز چیره شد؛ ای شگفتا! شمر، حسین را ذبح کرد؛ ای غیرت خدا، به خشم آی!

۲-۵- ۲. بخش پایانی: ندبه و مراثی (ابیات ۱۰۷ تا ۱۴۲)

در این بخش، شاعر نخست تضاد میان عیش یزید بر تخت حریر و تشنگی امام در گرمای بیابان را به تصویر می‌کشد. اوج عاطفی این بخش، ندبه‌ای چهاربیتی از زبان حضرت زینب سلام الله علیها بر پیکر برادر است که هر مصراع آن با «وا»ی ندبه آغاز می‌شود:

وا طریحاهُ ثلاثا بالعرا لم یُقبَرِ / وا شهیداهُ ومَن للمصطفی قُرَّةُ عین (بیت ۱۲۸)

ندبه بر کسی که سه روز بی‌کفن و بی‌قبر بر خاک افتاده بود! ندبه بر شهیدی که نور چشم پیامبر بود!

شاعر در پایان، بنی‌امیه را به سبب دوری از خوی بزرگوارانه بنی‌هاشم نکوهش می‌کند و قصیده را با اظهار محبت پایدار به اهل بیت و درخواست شفاعت به پایان می‌برد:

سادتي حُزني کَحُبِّي لکمُ باقٍ مُقیم / هِبَةٌ مِن عِنْدِ رَبّي ولَهُ الفَضْلُ العظیم (بیت ۱۳۷)

سروران من! اندوه من همچون محبتم به شما پایدار و ماندگار است؛ هدیه‌ای است از سوی پروردگارم که فضل بزرگ از آنِ اوست.

۲-۶. عناصر عاطفه و انسجام

۲-۶-۱. انسجام ساختاری

آنچه دمستانی را از دیگر شاعران عاشورایی متمایز می‌سازد، ترتیب منطقی و انسجام روایی قصیده است: شاعر نخست خود را صاحب مصیبت می‌داند و با فراهم‌کردن زمینه‌ای مناسب، خواننده را به‌تدریج وارد فضای عاشورایی می‌کند و سپس به‌تفصیل به جزئیات واقعه می‌پردازد. (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲: ۹-۱۰) این توالی سه‌گانه، ساختاری دایره‌وار به قصیده می‌بخشد: قصیده با اندوه شخصی شاعر آغاز می‌شود، در میانه به اندوه جمعی خاندان پیامبر گسترش می‌یابد و در پایان دوباره به بیان شخصی اندوه شاعر بازمی‌گردد. (بیت ۱۳۷) انسجام صوری نیز در قالب مسمّط و تکرار

قافیه واحد «ین» در سراسر ۷۱ مقطع نمود می‌یابد؛ ساختاری که یکپارچگی موسیقایی قصیده را در عین تنوع مضمونی مقاطع حفظ می‌کند.

۲-۶-۲. عاطفه

شعر دمستانی اشکی است که از دیدگانش چکیده و آهی است که از سینه‌اش برآمده؛ ناله‌ای که در آن احساسی رقیق با خشم و خروش درآمیخته است. این ترکیب -رقت و لطافت از یک سو و خشم و خروش از سوی دیگر- در بسیاری از ابیات مشهود است: از سوگواری آرام و درونی در مقدمه (بیت ۱۳)، تا خشم آشکار در خطاب مستقیم به قاتل امام (بیت ۹۵ به بعد) و سرانجام اوج رقت در ندبه‌های چهارگانه پایانی. (ابیات ۱۲۵-۱۲۸) به گفته میرقادری و دهقان، سهولت و روانی زبان با وجود موضوع غم‌انگیز قصیده، از ویژگی‌های برجسته آن و نشان‌دهنده قدرت شاعری دمستانی است. (میرقادری و دهقان، ۱۳۹۲: ۲۲)

۳-۶- ۲. آرایه‌های ادبی در خدمت عاطفه و انسجام

سجع: شاعر هر بیت را به چهار بخش تقسیم کرده و در پایان سه بخش نخست، واژه‌هایی هم‌سجع آورده است؛ مانند «الشهور، الدهور، السرور» در آغاز قصیده و «المصطفی، معتکفا، الصفا» در ابیات سوم و چهارم.

واج‌آرایی: تکرار هنرمندانه واج‌ها موسیقی درونی قصیده را می‌آفریند؛ مانند تکرار «ح» در «أحرم الحجاج... المحرم... ناحراً... الحزن... الحسین» و در «حق... حب... حرماً... حاد... حوب... الحرمین»، و تکرار «س» در «لبس سربال الأسی... مسا... الأنفسا».

تشبیه، استعاره و مجاز: در «لبس سربال الأسی» اندوه به جامه، و در «اتخاذ النوح ورداً» نوحه به ورد روزانه تشبیه شده است. در «واشتعال القلب أحزاناً تذیب الأنفسا» قلب به آتشی مانند شده که جان را ذوب می‌کند، و «ستذوق الموت ظلماً» مرگ را به طعامی چشیدنی تشبیه کرده است. در «أشاب الهمّ رأسي» نیز «رأس» به علاقه کلیه، مجاز از موی سر است.

مبالغه: شاعر در توصیف عظمت مصیبت از مبالغه بهره برده است؛ مبالغه‌ای که با توجه به عظمت واقعه کربلا، پذیرفتنی و بیانگر واقعیتی فراتر از کلام عادی است. این آرایه‌ها نه تزئیناتی صوری، بلکه ابزارهایی در خدمت انتقال عاطفه و ایجاد انسجام موسیقایی و معنایی قصیده‌اند.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی قصیده «أحرم الحجاج» نشان داد که:

۱) زمینه‌های سرایش این قصیده، آمیزه‌ای از زندگی زاهدانه شاعر، تجربه آوارگی ناشی از حمله خوارج به بحرین و هجرت به قطیف، و تجربه معنوی حج است؛ و روایت سرایش آن در هنگام سعی

میان صفا و مروه، با نام و مطلع قصیده (احرام ابدی شاعر در سوگ امام) همخوانی معناداری دارد. همچنین احتمال تأثیرپذیری آن از ترکیب‌بند محتشم کاشانی، این قصیده را در پیوند با سنت مرثیه‌سرایی فارسی قرار می‌دهد.

۲) دمستانی نخستین شاعری است که قالب مسمّط مربّع را در مرثیه عاشورایی به کار برد و پیوند او با مرثیه‌سرایی حسینی در آثار دیگرش، در خاندانش و در فرهنگ زنده عزاداری بحرین، قطیف و عراق استمرار یافت.

۳) قصیده ساختاری سه‌بخشی و دایره‌وار دارد: مقدمه‌ای در سوگواری شخصی، روایتی زمان‌مند از حرکت امام تا شهادت، و بخش پایانی در ندبه و اظهار محبت.

۴) عاطفه قصیده آمیزه‌ای از رقت و خشم است و انسجام آن در سطوح ساختاری، موسیقایی (قافیه واحد «ین» و سجع) و بلاغی (تشبیه، استعاره، مجاز و مبالغه) نمود یافته است. همین پیوند عاطفه صادقانه با انسجام صوری و معنایی، رمز ماندگاری این قصیده پس از گذشت بیش از سه سده است.

فهرست منابع

آل‌سعید، حسن بن علی (محقق و معلق) (۱۴۴۴ق/۲۰۲۳م). أحرم الحجاج: مسمّط الدمستاني في نظم مقتل الحسين عليه‌السلام، تأليف حسن بن محمد الدمستاني البحراني. چاپ اول. بحرين: مكتبة جلال العالی الخاصة.

بلادی، علی بن حسن (۱۳۷۷ق). أنوار البدرين فی تراجم علماء القطيف والأحساء والبحرين. تصحيح محمدعلی الطبسی. نجف: مطبعة النعمان.

شبر، جواد (۱۳۸۸ق). أدب الطف أو شعراء الحسين . ج۵. بيروت: دار المرتضی.

الغريفی، محمود مصطفی (شارح و معدّ) (۱۴۳۱ق). نظم مقتل الحسين ، لناظمه حسن بن محمد الدمستانی. چاپ اول. بحرين: دار حفظ التراث البحرانی (من تراث البحرين، ۲۵).

میرقادری، سید فضل‌الله؛ دهقان، مهناز (۱۳۹۲). «جایگاه دمستانی و قصیده‌ی ملحمة الطف در شعر عاشورا». فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه، سال اول، شماره اول.